



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۱۲

محمّد صالح گردش

وجه تسمیه بلورستان

سرزمین نورستان که در زمان «امیر عبدالرحمن خان» بعد از فتح آن دیار و مسلمان شدن مردمش به اسم نورستان مسمی گردید، آن سرزمین پیش از آن با بخش هایی از کنر، چترال و کاپیسا به نام «بلورستان» (و هم «کلاشستان» یاد می شده است و مردم آن سامان را به نام «کتور» می نامیده اند.

مردم نورستان به زبان های چون «کته ویری»، «واسیو ویری» (پرونی)، «کلشه الا»، «تریگانی» و «اشکونی» صحبت می کنند. نورستانی ها متشکل از شش قوم اند که به نام های کته (کاتهی)، کام، کلشه، پرسون، اشکون و گور یاد می گردند. در گذشته به دلیل پیروی مردم بلورستان از آیین های کهن و باستانی، سرزمین شان از سوی مسلمانان به نام کافرستان نیز مسمی بوده است. همچنان این مردم از لحاظ رنگ لباس به دو دسته سیاه پوشان و سفید پوشان نیز تقسیم بندی و نامیده می شده اند.

این سرزمین بعد از فتح آن در زمان امیر عبدالرحمن خان و گرویدن مردم آن سرزمین به دین اسلام به نام نورستان مسمی گردید. این قلم در مقاله «وجه تسمیه اسم ترمذ» که در پورتال افغان جرمن منتشر گردیده است، آن کلمه را از کلمات روسی و به معنی توقف گاه و محل اتراق دانسته ام. پس ممکن می دانم که یک بخشی از مردم اسلاو در گذشته های دور تاریخی از همین نواحی نیز از دریا گذشته و به سمت شرق کشور امروزی ما رهسپار شده باشند. نظر من در مورد اسم بلورستان این است که بلورستان از سه جزء ساخته شده باشد: بلو + روس + تان. که در زبان روسی دو جزء اول آن «بیلاروس» یا «بلاروس» خواهد بود که اطلاق به مردم و طایفه روس های سفید می شود. بناً جزء بلو را در این اسم، هیأت تغییر یافته «بیلا» از زبان روسی یا اسلاوی در زبان های این حوزه جغرافیایی می دانم که در زبان مردم اسلاوی (روسی) معنی سفید می دهد. و «روس»، اسم یک طایفه اروپایی از نژاد اسلاو ها اند که بیشتر در شرق اروپا زیست دارند. این گروه قومی نه تنها در شرق که در غرب اروپا نیز بسر می برند و از گذشته ها تا امروز یکی از اقوام پر نفوس اروپا بوده اند.

احتمال دارد که یک شاخه یی از این طایفه در گذشته های تاریخی در نتیجه سردی بیش از حد زمین و یخبندان های شدید و شاید هم در نتیجه یک سلسله منازعات درون اجتماعی و یا انگیزه تلاش و دست یابی به منابع بیشتر غذایی و شکار و چراگاه های مواسی از دشت ها و استپ های شمال بحیره کاسپین و دریای سیاه به صوب شرق حرکت نموده و بعداً مسیر شان را به صوب جنوب گردانیده باشند و با طی یک مسیر طولانی و گذار از مناطق صعب از نزدیکی سرچشمه های دریای آمو به سرزمین های بدخشان و تخار و بعد از گذار از آن صفحات به سرزمین نورستان امروزی مسکن گزین گردیده باشند. و هم قسمیکه تذکر رفت، ممکن است که این کتله مردمی از گذرگاه های هم مرز به بلخ از دریا گذشته باشند البته که این کتله اجتماعی که دست به مهاجرت زده اند بعضی کتله هایشان در سرزمین های چون ترکمنستان و ازبکستان امروزی و نیز سرزمین کاشغر سکنی گردیده باشند چنانکه اسکلیت های بدست آمده از کاشغر (ایالت سین کیانگ) گواهی زیست مردم سپید پوست مو بور چشم آبی را در آن نواحی از چهار هزار سال پیش شهادت می دهد.

از همین جاست که ازبک ها و ترکمن ها و اویغور ها ممکن است نژادهای آمیخته ی باشند از همین مردم و مردم زردپوستی که بعداً از سرزمین های مغولستان و چین به بن اراضی سرازیر شده اند. از میان طوایف ساحات ماورالنهر به نظر می رسد که ترکمن ها بیشتر از دیگران ازین آمیختگی برخوردار باشند و بعد از ترکمن ها، ازبک ها خواهند بود.

قابل تأکید است توجیه یی که از اسم بلورستان نمودم به این معنا نیست که اکثر مردم نورستان مربوط قوم اسلاو بوده اند اما ممکن است که یک شاخه کوچک از مردم اسلاو نیز درین مناطق اسکان یافته باشند که بعداً اسم آن سرزمین نیز بنام ایشان مسمی گردیده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولی

از نظر من این مردم بعدها درین سرزمین جابجا گردیده اند و بیشتر اقوام امروزی نورستان چون اشکونی ها، پرونی ها، کته یا کاتهی ها و گور ها از دید این قلم از شعبات قوم و مردم آلان ها و سرمت ها خواهند بود که در گذشته های دور تاریخی و پیش از مردم اسلاو درین اراضی جابجا گردیده بودند چنانکه در پیوند مهاجرت آلان ها و سرمت ها در چند نوشته دیگر تذکر داده ام.

همینگونه به طور مثال قوم کاتهی یا کته که بزرگترین قوم نورستان است، اسم این قوم در اصل کاسی و یا چیزی نزدیک به همین اسم خواهد بود و دلیلی را که در راستا دارم اینست که عمده ترین و قدیمترین بخش کتاب اوستا به نام «گات ها»ست و گات ها مجموعه ی از سروده هایی اوستایی منتسب به شخص پیامبر آریایی، زردشت است، ولی همین اسم گات ها در زبان های بعدی و به خصوص در زبان پهلوی به هیئت «گات ها» تبدیل گردیده است. پس اسم کاتهی نیز در اصل ممکن است کاسی و یا چیزی نزدیک به اسم همان قوم قدیم کاسی و کاسپی بوده باشد. بعضی از مورخان دو قوم کاسی و کاسپی را جدا از هم و تعدادی نیز آن دو قوم باستانی را که در دو بازه زمانی متفاوت در تاریخ این حوزه های جغرافیایی حضور یافته اند، یکی می دانند.

در یکی از منابع تاریخی که حالا اسمش یادم نیست دیده بودم که کوه های سلیمان واقع در مرز پاکستان و افغانستان را نیز در گذشته ها به نام «کوه کاسی» یاد می کرده اند و هم در لندی ها یا ابیات فولکور و عامیانه زبان پشتو اسم این کوه به نام «کاسی غر» یاد گردیده است. کوه کاسی یا کوه سلیمان در ابیات فولکلور زبان پشتو به ویژه در سرزمین کویته نماد تاریخی از عشق به وطن و غیرت و شهامت است.

در ولایت غور در حومه شهر فیروزکوه نیز منطقه یی ست به نام کاسی که ممکن است ریشه به اسم همین قوم و مردم داشته است. قوم دیگر در نورستان، اشکونی ها اند که مرا بی خیال به سوی اسم قوم باستانی اشکانی می کشد. پارون (اسم مرکز ولایت نورستان) که ممکن می دانم با اسم ولایت پروان و نیز اسم محله ی «پارنده» ولایت پنجشیر بی رابطه و ناپیوند نبوده باشد، اسم هایی اند که ممکن با اسم قوم «پَرَنی» یک شاخه بزرگ پارت های اشکانی پیوند خواهد داشت.

همچنان اسم قوم «پرسون» که بیشتر در منطقه پارون ولایت نورستان بسر می برند ممکن است با اسم پارت و پارت(پارس، پرس) در پیوند باشد.

پس اکثر مردم و اقوام باشند نورستان از شاخه های قوم آلان ها و سرمت ها خواهند بود و نه مردم اسلاو، البته با تأکید به این نکته که آلان ها و سرمت ها با اقوام اسلاوی پیوند و رابطه های فرهنگی داشته و تقریباً در همجواری هم زیسته اند و حتا نظر به استنادهای تاریخی، یکبار سرزمین های اسلاو به شمول شهر امروزی مسکو توسط آلان ها فتح گردیده بود.

بنابراین نظریه یونانی بودن نورستانی ها اینکه بقایای عساکر یونانی بوده باشند را کاملاً مردود می دانم زیرا عساکر یونانی فقط و فقط در سرزمین نورستان و کاپیسا اتراف نکرده اند و هم عساکر جنگجوی یونانی بیشتر بدون آل و عیال و خانواده هایشان وارد این سرزمین ها شده بودند و نه با همراهی زن و فرزندان شان برای اتراف و اسکان گزینی. به این موضوع با استناد های تاریخی به یکی از نوشته های دیگرم به آینده نزدیک خواهم پرداخت که اسم اقوام باشند این سرزمین ها پیش از آمدن یونانی ها توسط خود مورخان شان ثبت و ضبط تاریخ شده است.

در اینجا فقط یادآور می گردم که اسم های چون کاسی، پکتیس و الینا قدامت پیش از ورود عساکر یونان در زمان اسکندر و حتا قبل از سلطه شاهان هخامنشیان درین سرزمین ها را دارند.

شاید بعضی ها توجیه بلورستان را بعد از نشر این مقال از دو جزء «بلور» و «ستان» تصور کنند که پیشاپیش باید افزود: بلور، سنگ مقاوم و سختی را گویند که با آن کارد و چاقو و قیچی و دگر سامان و اسباب را تیزکاری کنند که رنگش بیشتر سبزینه و متمایل به سیاه است، ولی بلور اصل و با کیفیت، بی رنگ و درخشان یا به رنگ شفاف سفید است و بلور با کیفیت رنگ کدر و مات ندارد و متمایل به رنگ های چون سبز نیست. همچنان در زبان فارسی دری کلمه «بلورین» منسوب به بلور و آنچه مانند به بلور باشد، هست. بنابراین چنین توجیه را به اسم این سرزمین مناسب ندانسته ام. جزء سوم اسم بلورستان در اصل ممکن است «ستان» بوده است که در زبان دری پارسی و بیشتر زبان های این حوزه چون زبان باستانی سانسکریت و مشتقات آن زبان پسوند اسم مکان است و «تان» در اسم نورستان احتمالاً که بخش برجا مانده ستان خواهد بود و در اصل بلورستان می باید «بلورُستان» بوده که به نسبت اشکال و ثقلت ادای دو حرف س به قسم پیهم و پیوسته در این اسم، یکی از حروف س حذف و از اداء افتاده است. این که حرف س گاهی در بعضی اسم ها از اداء افتاده است، یک مثال در رابطه می آورم: «ملتان» اسم یک شهر تاریخی و مشهوریست در ایالت پنجاب پاکستان که اصل اسم آن شهر در زبان سانسکریت، «مولاستانا» یا مولاستان بوده که امروز به هیئت مولتان یا ملتان درآمده است و با دقت و توجه درمی یابیم که حرف س در اسم ملتان از اداء افتاده و در اسم بلورستان نیز چنان اتفاقی رونما گردیده است. به باور من بیشتر مردم آریایی تبار به شمول اقوامی

چون پشه یی ها، نورستانی ها، کالامی ها، شینایی ها و غیره اقوام و شعبات دگر این حوزه که تا جایی هویت های تباری و اصالت های زبانی و فرهنگی شان را نیز حفظ نموده و اسم های آریا و آریانا را نیز به نام خود ثبت و یدک زده اند، بیشتر مردم قفقازی بوده اند و نه اسلاوی، ولی با این هم از دید این قلم قرعه نام بلورستان با اسم مردم اسلاو(روس) رقم خورده است.



آرشیف: مطالب نشر شده محترم محمدصالح گردش